

پوری‌پدیا PouriPedیا

تهران تاتو کرد

● **پوریا عالمی:** ما عادت داریم هر چیزی را بزرگ کنیم طوری که قشنگ به چشم بیاید. مثلا پشت ماشینمان با درشت‌ترین حالت ممکن نظرات فلسفی و اعتقادی‌مان را می‌نویسیم؛ از شیشه عقب پراید و ۲۰۶ و پرادو در نظر بگیرید تا پشت کامیون. حتی الان بزرگ‌ترین پلاک‌های دنیا پشت کامیون‌های ایران نصب است که این خودش دستاورد کمی نیست؛ این مسئله اول. مسئله دوم اینکه تا دیروز بحث این بود که ایرانی‌ها با هنر آشنا نیستند و مخاطب آثار مبتذل شده‌اند، موسیقی و نقاشی و فیلم و تئاتر هم ندارد. وقتی مسئله اول و دوم را با هم جمع کنی، جوابش می‌شود کاری که شهرداری تهران کرده: صدها تابلو هنری را بزرگ زده به در و دیوار شهر تا این‌طوری هم شهر قشنگ شود، هم کف استاندارد شعور بصری مردم بالا برود هم... اما چرا مردم نمی‌دانند باید از تماشای آثار هنری جهان در بزرگراه‌های تهران خوششان بیاید یا نه؟ چون نمی‌دانند فردا چه اتفاقی می‌افتد. یعنی عادت ندارند ببینند شهرداری یا یک جای دولتی دیگر یک کاری کند که پشتش خبری نباشد. مثلا دیروز در تاکسی یکی می‌گفت: «می‌دانی این تابلوها واسه چه؟ واسه اینکه حواس مردم‌رو پرت کنند». عین همین نظر را دلاوران نظریه‌پرداز هم در اینترنت نوشتند. اما ما استثنائا از کار شهرداری خوشمان آمده و وقتی در تهران می‌چرخیم، آلودگی هوا و مدیریت شهری و ترافیک و ازدحام و گرانی و ظریف و حتی خود قالیباف را فراموش می‌کنیم. خب نکته اینجاست که باید برگردیم به پاراگراف اول. اصولا ما هرچی را نداریم، قاب می‌کنیم می‌زنیم جلو چشمان. مثلا ما دوست گولاخی داریم که دزد و زورگیر و اراذل است، اما در ۱۶ نقطه بدنش خالکوبی کرده «سلطان غم مادر». خب مادر بدبختش غم همین کارهای گولاخانه پسرش را می‌خورد دیگر، وگرنه اگر پسرش جای اینکه زورگیری کند می‌رفت مثل آدم کار می‌کرد، مادرش جای اینکه سلطان غم بشود، می‌توانست وزیر خوشبختی بشود. حالا حکایت تهران است؛ برداشته‌اند صدتا تابلو را در صدجای تهران تاتو کرده‌اند که توی چشم ما باشد، موفق هم بوده‌اند، قشنگ هم هست، دستشان هم درد نکند، فقط نکته اینجاست که در همه مناظری که توی این تابلوهاست، اثری از تراکم‌فروشی و برج‌های به‌هم‌چسبیده در کوچه‌های تنگ بالاشهر و پایین‌شهر نیست، اثری هم از جنگل‌بری نیست. به‌رحال به نظر ما تاتوی قشنگی است. فقط کاش توی چشم ما تاتو نکنند چون پشت پشت پلک ما گردوغبار نشسته و خسته است. خلاص.

شترت روزنامه

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۴ • ۲۱ رجب ۱۴۳۶ • ۱۰ می ۲۰۱۵ • سال دوازدهم • شماره ۲۲۹۶ • ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۲۰:۱۸ • اذان صبح فردا ۴:۲۷ • طلوع آفتاب ۶:۰۳

روزنامه‌فردا



ناهِید طباطبایی

مدت‌هاست که سریال‌های ترکی از ماهواره پخش می‌شود. آنهایی که این سریال‌ها را تماشا می‌کنند، چند گروه هستند: کسانی که عصر، پای تلویزیون می‌نشینند و دیگر، تا آخر شب بلند نمی‌شوند. کسانی که سریال‌ها را یک‌درمیان تماشا می‌کنند، یعنی هر وقت که بتوانند. دسته دیگر، سریال‌ها را می‌بینند و می‌گویند نمی‌بینیم- دروغ چرا؟ - اینها، تماشاگران شرمندeh‌اند. گروه کوچکی هم تماشا نمی‌کنند، اینها یا ماهواره ندارند یا سرگرمی‌های بهتری دارند و کلا به تلویزیون کار ندارند. دراین‌میان عده‌ای غر می‌زنند که این سریال‌ها مبتذل هستند و مخاطب عام را خوش می‌آیند. خب، این مخاطبان عام- که عام هم نیستند - اوقات فراغتشان را چه‌کار کنند؟ توی این شهر که ۱۰دقیقه راه، یک ساعت طول می‌کشد، به کجا بروند؟ کدام تفریح مناسب را می‌شود به آنها پیشنهاد داد؟

تجربه‌های فرانکفورتی-۳-

نیمکت آبی

کیسو فغفوری: در یکی از ورودی‌های سالن شماره۵، دوتا از مهم‌ترین شبکه‌های معروف آلمان مستقر شده‌اند؛ هم خودشان را تبلیغ می‌کنند و هم در سوی دیگر، یک نیمکت آبی قرار داده‌اند و میهمان‌ها با نشستن روی آن، به پرسش‌ها پاسخ می‌دهند. هرکسی می‌تواند پرسش خود را از میهمان‌ها که اکثر مواقع بسیار مشهور - در حد پاپولو کوئیلو - هستند، بپرسد. در این برنامه نیم‌ساعته، چندین میهمان می‌آیند و می‌روند. وقتی همراه تور نمایشگاه فرانکفورت می‌شوی، می‌توانی از جزئیاتی مطلع شوی؛ مثل قیمت هر مترمربع غرفه یا اینکه بزرگ‌ترین و کوچک‌ترین غرفه کدام است. البته راه‌های دیگری هم برای دریافت اطلاعات وجود داشت؛ مثل غرفه‌های «از من بپرس» که هم نقشه در اختیاران قرار می‌دهند و هم مسئولانش می‌توانند شما را راهنمایی کنند، اما کاتالوک انگلیسی- آلمانی بهترین راهنمای نمایشگاه است که با رنگ‌های مختلف تقسیم شده و اطلاعات تمام ناشران را ارائه کرده است.

از این ستون به اون ستون

دروغ چرا؟

جلب مخاطب. دلیل این ضعف کجاست؟ مدیریت؟ بودجه؟ عدم خلاقیت؟ یا اصلا تعبیرمان از سریال، غلط است؟ بد نیست برنامه‌سازان تلویزیون هم این سریال‌ها را تماشا کنند. می‌توانند یاد بگیرند چطور مخاطب را سرگرم و در این دوران وانفسا، اوقاتی خوش برای تماشاگر فراهم کنند. به نظر من، سازندگان سریال‌های ترکی می‌دانند چه می‌خواهند و خیلی حرفه‌ای و جدی برای رسیدن به آن تلاش می‌کنند و سریال‌سازان ما نمی‌دانند. آنها برای این کار وقت می‌گذارند، آموزش می‌بینند و هزینه می‌کنند. ما هم باید یاد بگیریم چطور با مسائل فرهنگی و اجتماعی برخورد کنیم. از آنها داستان بسازیم و تماشاگر را سرگرم کنیم؛ یادمان باشد سرگرمی خیلی مهم است. باید بدانیم چه می‌خواهیم. منابع ادبی و تاریخی بسیاری داریم که برای ساخت سریال‌هایی مناسب فرهنگ، تاریخ و جامعه ما خوب هستند. اگر بدانیم چه می‌خواهیم، موفق می‌شویم.

میراث فردا

آیینه صداقت

بهره‌مند خواهند شد، اما آنچه دراین‌میان قابل جبران نخواهد بود، ارزش‌های اخلاقی اوست که در کنار دانایی، نواندیشی و تعهد خستگی‌ناپذیر او نسبت به علم و عمل، از او شخصیتی متفاوت و بلکه ممتاز ساخته است؛ اندیشمندی که ناملایمات سال‌های گذشته، جامعه علمی را از بردن بهره و حظ کافی از چشمه زال علم و معرفت او کم‌توفیق کرده بود و درست اکنون که به‌تازگی در عین شایستگی سکان علوم انسانی کشور را عهده‌دار شده بود، از میانمان رفت و جامعه علمی ما را بیش از هر زمانی تشنه روش و منش ناب خود گذاشت. استاد آئینه‌وند از معدود فرهیختگان ما بود که توانست الگوی عملی یک استاد اندیشمند متخلق و متعهد عامل به دانش و بینش و رفتار معلمی در این روزگار و به‌واقع آئینه صداقت در اندیشه، گفتار و کردار باشد. خدایش بیامرزد که انسانی نیکوשרت و پاک‌سرنوشت بود، خالصانه زیست و مسئولانه عمل کرد و مطیعانه دعوت حق را لبیک گفت. بادش گرامی و راهش مستدام باد.

✽مدرس دانشگاه

رحیم عبادی*: دانا بود و توانا. آگاه بود و هوشیار، متواضع بود و سربلند، آرام بود و شجاع، عارف بود و حکیم، استادی دانشمند و مربی‌ای عامل، اهل وفق و مدارا و گفت‌وگو و تعامل، هیچ پرسشی را بی‌پاسخ نمی‌گذاشت و گنجینه دانش او روی همگان گشوده بود و با همه افق‌های باز نسبت داشت، هیچ‌دانش‌پژوهی از محضر علم و اخلاق او دست خالی بر نمی‌گشت و... آری اینها اندک وصف استاد و مربی بزرگ، معلم توانا و فرهیخته فرزانه، مرد نکونام، استاد دکتر صادق آئینه‌وند است که به‌ناگاه و ناپاورانه و خیلی زود از میان ما رفت؛ شخصیتی که بیش از هر زمان دیگری جامعه علمی ما به دانش و بینش و منش او به‌ویژه در حوزه علوم انسانی نیازمند بود. رحلت جانشوز آن نازنین فقید سعید، تلمه‌ای است بر پیکر جامعه فرزانشان کشور که جبران آن بسیار سخت و بلکه دشوار است. استاد آئینه‌وند که عمری را در تحقیق و تدریس و تألیف گذرانده، آثار بی‌شماری از خود برجای گذاشته و شاگردان بسیاری تربیت کرده است که تا سالیان سال از دانش و اندوخته علمی او

سامسونگ

SAMSUNG

جشنواره کولرهای گازی



از ۲۵ اسفند ماه ۹۳ تا ۳۱ شهریور ماه ۹۴

فقط با ضمانت **سام**
سرویس ۰۲۱-۸۲۵۵

برای اطلاع از شرایط قرعه‌کشی حتماً به سایت سام سرویس مراجعه فرمایید.

سفر رویایی

